

ارتباط سبک‌های دلبستگی براساس الکسی تایمیا و سرمایه روانشناختی و هوش درون فردی دانشجویان

آتنا قراقیه^۱ *، الهه جوزائی^۲، پرستو نعیمی جو^۳، احمد یوسفی^۴

۱. کارشناسی ارشد، روانشناسی بالینی، واحد کرج، دانشگاه آزاد اسلامی، کرج، ایران

۲. کارشناسی ارشد، روانشناسی بالینی، واحد کرج، دانشگاه آزاد اسلامی، کرج، ایران

۳. استادیار، گروه روانشناسی بالینی و سلامت، دانشکده پزشکی، دانشگاه آزاد اسلامی، کرج، ایران

۴. استادیار، گروه روانشناسی بالینی و سلامت، دانشکده پزشکی، دانشگاه آزاد اسلامی، کرج، ایران

چکیده

هدف این پژوهش ارتباط سبک‌های دلبستگی براساس الکسی تایمیا و سرمایه روانشناختی و هوش درون فردی دانشجویان دانشگاه آزاد اسلامی واحد کرج بود. روش این پژوهش توصیفی-همبستگی و جامعه آماری شامل کلیه دانشجویان دانشگاه آزاد اسلامی واحد کرج در نیمسال اول سال تحصیلی ۱۴۰۲-۰۳ بود. حجم نمونه براساس فرمول کوکران، ۳۲۷ نفر به روش نمونه‌گیری تصادفی هدفمند انتخاب شد. ابزار گردآوری داده‌ها پرسشنامه سبک دلبستگی کولینز و رید (RAAS)، پرسشنامه الکسی تایمیا تورتو (TAS-۲۰) (بگبی و پارکر و تیلور (۱۹۸۶)، پرسشنامه سرمایه روانشناختی لوتانز (PCQ) (۲۰۰۷) و آزمون هوش چندگانه گاردنر (۱۹۸۷) بود. در این پژوهش برای تجزیه و تحلیل اطلاعات بدست آمده از مدل‌یابی معادلات رگرسیونی ساختاری و تحلیل مسیر استفاده شد. نتایج بیانگر تاثیر مستقیم الکسی تایمیا و تاثیر غیرمستقیم آن با میانجی‌گری سرمایه روانشناختی و هوش بر کاهش سبک‌های دلبستگی است. هم‌چنین سرمایه روانشناختی و هوش با سبک‌های دلبستگی رابطه منفی معناداری را نشان داد. لذا پیشنهاد می‌گردد با توجه به تاثیر مثبت الکسی تایمیا و سرمایه روانشناختی و هوش بر کاهش سبک‌های دلبستگی، با تشکیل کلاس‌های آموزشی برای دانشجویان توسط روانشناسان و مشاوران تحصیلی از دلبستگی ناایمن دانشجویان که نتیجه آن فرسودگی تحصیلی است، جلوگیری شود.

واژگان کلیدی: سبک‌های دلبستگی، الکسی تایمیا، سرمایه روانشناختی، هوش چندگانه

مقدمه

هیجان‌ها، شناخت^۲ و کردار^۳ سه حوزه‌ی مهم در روان‌شناسی هستند. موضوع هیجان به دلیل بی‌علاقگی رفتارگرایان نسبت به تجربیات ذهنی و عدم توافق صاحب‌نظران در تعریف واحدی از آن، سال‌ها مورد غفلت قرار گرفته بود (کیاروچی، فورگاس و میر^۴، ۲۰۲۱). تجارب هیجانی آسیب‌زا، پیامدهای جسمانی و روان‌شناختی منفی دارند و به همین خاطر بیان افکار، احساسات و هیجانات پنهانی، زیربنای اغلب روش‌های روان‌درمانگری^۵ است. سیفنتوس^۶ واژه‌ی آلکسی‌تایمیا^۷ را برای نام بردن افرادی ابداع کرد که قادر به بیان احساسات و هیجان‌های درونی خود نبوده و از شناخت احساسات دیگران نیز ناتوانند (پورآقا رودبرده، ۱۳۹۰).

تعامل و گرایش فرد به دیگران، از گرایش به کسی که از او مراقبت می‌کند آغاز می‌گردد و فرآیند رشد، دامنه‌ی این تمایل را به دیگران گسترش می‌دهد. با توجه به نقش و اهمیت هیجان در درک احساس‌های خود و دیگران، نقش رابطه‌ی کودک با اطرافیان در شکل‌گیری و شناخت هیجان‌ها در سال‌های اول زندگی برجسته می‌شود. کودک از ارتباط اولیه با مادر خود می‌آموزد که عواطف مثبت و منفی خود را ابراز کند و قادر به درک عواطف طرف مقابل خود نیز باشد. آن چه که کودک از ارتباط اولیه‌ی خود با مادر یاد می‌گیرد به دوران بزرگسالی نیز تعمیم می‌یابد (بولبی، اینسورث^۸، ۱۹۹۲، ۱۹۹۶).

به عبارتی، آلکسی‌تایمیا اختلالی ویژه در پردازش هیجانی است که بیشتر به کاهش توانمندی در شناسایی و تشخیص هیجان‌ها اشاره دارد (کرمی، یزدان‌بخش، کرمی، ۱۳۹۵)، این افراد قادر به تشخیص و تمیز دادن هیجان‌های خود نیستند و نمی‌توانند افکار و احساسات خود را درک و توصیف کنند و در آگاهی هیجانی، ارتباط با دیگران و بینش نسبت به احساسات خود نقایصی را نشان می‌دهند (ریسازدی، دمارتینی و همکاران^۹، ۲۰۱۵) بخصوص در شرایطی که انجام یک تکلیف چندان آسان نیست (اسکارپازا، دی پلگرینو و لادواوس^{۱۰}، ۲۰۲۳). به اعتقاد کینگ و ایمونس^{۱۱} (۲۰۱۸) آلکسی‌تایمیا ساختاری است که احتمالاً با کنترل هیجان مرتبط است، زیرا آلکسی‌تایمیا، عدم ابراز هیجان به دلیل نقص در توانایی پردازش و تنظیم هیجان‌ها یا بازداری آگاهانه‌تر ابراز هیجان است. در واقع افراد مبتلا به آلکسی‌تایمیا قادر به تشخیص احساسات و بیان هیجان‌های خود نیستند و این در حالی است که قابلیت‌های هیجانی می‌تواند سازگاری مناسبی را در ارتباط با محیط و دیگران به همراه داشته باشد.

سبب‌شناسی آلکسی‌تایمیا از سه دیدگاه روان‌کاوی، فیزیولوژیک و فرهنگی اجتماعی بررسی می‌شود. آلکسی‌تایمیا در دیدگاه روان‌کاوی از دو بعد، به عنوان نوعی مکانیسم دفاعی واپس‌روی^{۱۲} و به عنوان نوعی نقص در ساختار روانی در نظر گرفته می‌شود (مایسلز، ویسمن و های^{۱۳}، ۲۰۱۹). دیدگاه فیزیولوژیک فقدان ارتباط نورونی مناسب بین دستگاه لیمبیک و نئوکورتکس را مطرح می‌کند که محل بازنمایی هوشیارانه‌ی احساسات و تخیل است. همچنین دیدگاه فرهنگی اجتماعی نیز آلکسی‌تایمیا را مربوط به طبقه‌ی اجتماعی و تفاوت‌های هوشی بین بیماران و طبقه‌ی متوسط و پایین جامعه می‌داند (جوکاما^{۱۴}، ۲۰۱۴؛ جوکاما، ساریچوردی، موریاسنمی و سالاکانگاس^{۱۵}، ۲۰۱۹).

آلکسی‌تایمیا در ویرایش چهارم راهنمای تشخیصی و آماری^{۱۶} (۲۰۰۰) اختلال‌های روانی به عنوان یک اختلال روانی طبقه‌بندی نشده، بلکه ویژگی است که از شخصی به شخص دیگر از لحاظ شدت متفاوت می‌باشد. از این رو می‌توان گفت

^۱ Emotion

^۲ Cognition

^۳ Conation

^۴ Ciarrochi, Forgas, Myer

^۵ Psychotherapy

^۶ Sifneos

^۷ Alexithymia

^۸ Bowlby, Ainsworth

^۹ Ricciardi, Demartini, Fotopoulou, Edwards

^{۱۰} Scarpazza, Di Pellegrino, Lådavas

^{۱۱} King, Emmons

^{۱۲} Regression

^{۱۳} Mayselless, Wiseman, Hai

^{۱۴} Joukamaa

^{۱۵} Joukamaa, Saarijarvi, Muuriaisniemi, Salokangas

^{۱۶} Diagnostic and statistical manual of mental disorders (DSM-^{tr})

که آلکسی تایمیا به عنوان یک سازه شخصیتی چندوجهی با اختلال های طبی و روان پزشکی متعددی رابطه دارد و احتمالاً به گونه ای نرمال در جمعیت عمومی توزیع شده است و روی یک پیوستار از بهنجار تا آسیب شناختی قرار می گیرد (مظاهری و افشار، ۱۳۹۸).

نتایج پژوهش کلیکل و همکاران^۱ (۲۰۲۲) نشان می دهد که نمره کل آلکسی تایمیا با پاداش وابستگی و مولفه دشواری در شناسایی احساسات و دشواری در توصیف احساسات با خودفراروی و خودراهبری همبستگی منفی دارند. نتایج پژوهش های لی و همکاران^۲ (۲۰۲۰) و گرابی و همکاران^۳ (۲۰۲۱) نیز نشان می دهد که پایین بودن پاداش وابستگی، خودراهبری و همکاری مسیرهای به سمت آلکسی تایمیا هستند و بالا بودن نمره در آسیب گرایی، توان پیش بینی آلکسی تایمیا را دارد. همچنین پژوهش ها نشان می دهند که آلکسی تایمیا نیز در رفتار دلبستگی نقش مهمی دارند (جوکاما و همکاران، ۲۰۱۹). مطابق نظریه بالبی (۱۹۹۶) انسان با یک سیستم روانی-زیستی به نام سیستم رفتار دلبستگی متولد می شود. هدف این سیستم، دستیابی به یک احساس ایمنی و حمایت شدگی واقعی یا ادراک شده از تعامل نزدیک و صمیمی با تصویر دلبستگی است. بالبی (۱۹۹۲) دلبستگی را یک رابطه عاطفی قدرتمند می داند که فرد را به یک مراقب مرتبط می سازد، به نحوی که تعامل با وی باعث احساس نشاط و شغف شود و وجود او به هنگام تنش، مایه ی آرامش باشد.

در واقع، نظریه دلبستگی بیان می کند کیفیت دلبستگی از طریق الگوهای شناختی و فعال درونی منجر به بروز و یا عدم بروز اختلال های عاطفی هیجانی می گردند که پیوند عاطفی پایدار بین دو فرد است، به طوری که یکی از طرفین کوشش می کند نزدیکی یا مجاورت با موضوع دلبستگی را حفظ کرده و به گونه ای عمل می کند تا مطمئن شود که ارتباط ادامه می یابد. بدنبال پژوهش های بالبی، اینسورث و همکاران (۲۰۱۶) سبک های دلبستگی را به دو سبک دلبستگی ایمن و سبک دلبستگی نایمن طبقه بندی کرد که سبک نایمن شامل سبک دلبستگی نایمن دوسوگرا و نایمن اجتنابی است. افراد با پرورش سبک دلبستگی نایمن، شخصیتی بی عاطفه خواهند داشت که مشخصه آن کناره گیری هیجانی، فقدان احساس، ناتوانی در برقراری روابط محبت آمیز و عاطفی با دیگران است. بنابراین سبک های دلبستگی تعیین کننده قواعد عاطفی، شناختی و راهبردهایی است که واکنش های هیجانی را در افراد و روابط بین شخصی هدایت می کند (بکر و هرگر^۴، ۲۰۲۲). نتایج پژوهش ها به طور کلی نشان دهنده اهمیت انکارناپذیر سبک دلبستگی به عنوان یک عامل اساسی در سلامت روانی افراد است و سبک های دلبستگی نایمن را به عنوان یک عامل آسیب پذیری تأیید کرده اند. مطالعات دیگری نیز رابطه سبک های دلبستگی و آلکسی تایمیا را مورد بررسی قرار داده و نتایج پژوهش است تایلر و همکاران^۵ (۲۰۲۲) نشان داد که ویژگی های مربوط به ناگویی هیجانی در سبک های دلبستگی نایمن بیشتر است و سبک های دلبستگی نایمن موجب می شود احساسات ایمنی درونی نشوند و فرد در مقابله با افسردگی خزانه مقابله ای و سرمایه روان شناختی کمتری داشته باشد و مستعد خلق پایین باشد (بیگ و همکاران^۶، ۲۰۲۱).

بر اساس نظر لوتانز^۷ (۲۰۰۲) سرمایه روان شناختی یک حالت روان شناختی مثبت به زندگی و شامل تاب آوری، امید، خوش بینی و خودکارآمدی است. برخورداری از سرمایه روان شناختی، افراد را قادر می سازد تا علاوه بر رویارویی بهتر در برابر موقعیت های استرس زا، کمتر دچار تنش شوند و سلامت روان شناختی بالاتری داشته باشند چرا که در یک فرایند تعاملی و ارزشیابانه، به زندگی فرد معنا بخشیده، تلاش فرد برای تغییر موقعیت های فشارزا را تداوم داده و فرد را برای غلبه بر افسردگی مهیا می کند (پرستون، ریو و یانگ^۸، ۲۰۲۳). سیلگمن و همکاران^۹ (۲۰۰۰) معتقد است که سرمایه روان شناختی جنبه های مثبت زندگی آدمی را در بر می گیرد. وی معتقد است که سرمایه انسانی و اجتماعی به آسانی قابل مشاهده و آشکار

^۱ Celikel et al

^۲ Lee et al

^۳ Grabe et al

^۴ Baker, Horger

^۵ Taylor et al

^۶ Baig et al

^۷ Luthans

^۸ Preston, Rew, Young

^۹ Seligman, Csikszentmihalyi

است و می توان آن را به سادگی اندازه گیری کرد. در حالی که سرمایه روانشناختی بیشتر بالقوه بودن و اندازه گیری و توسعه آن دشوار است.

به عبارتی دیگر، سرمایه روانشناختی، سازه ای ترکیبی و به هم پیوسته است که شامل چهار مؤلفه ادراکی - شناختی یعنی امید، خوش بینی، خودکارآمدی و تاب آوری را در برمی گیرد. این مؤلفه ها در یک فرایند تعاملی و ارزشیابانه، به زندگی فرد معنا بخشیده و تلاش فرد برای تغییر موقعیت های فشارزا را تداوم داده و او را برای ورود به صحنه عمل آماده می نماید (کارتور و یوسف مورگان^۱، ۲۰۲۲) و مقاومت و سرسختی وی در تحقق اهداف را تضمین می کند. لذا میتوان گفت افرادی که سرمایه اجتماعی بالاتری دارند بیشتر سبک دلبستگی ایمن را نشان میدهند و همچنین هوش بالاتری دارند که به معنی خودآگاهی است. کسانی که از نظر هوشی بالاتر هستند، آگاهی خوبی از حالات عاطفی، احساسات و انگیزه های خود دارند. آن ها از رویاپردازی، بررسی روابط خود با دیگران و ارزیابی نقاط قوت خودشان لذت می برند و می دانند که در زندگی به دنبال چه چیزی هستند و چه اهدافی دارند، همچنین سرمایه روانشناختی بالاتر و سبک دلبستگی ایمن تری دارند، لذا این پژوهش بر آن بود که با استفاده از شیوه معادلات ساختاری به بررسی مدل مفهومی ایجاد شده پرداخته و اثر مستقیم متغیر الکسی تایمیا بر سبک های دلبستگی و آثار غیر مستقیم آن را با میانجی گری سرمایه روانشناختی و هوش مورد بررسی قرار دهد. این پژوهش بر آن است تا به سوال زیر پاسخ دهد: آیا مدل علی زیر به منظور تبیین سبک های دلبستگی بر اساس الکسی تایمیا با میانجی گری سرمایه روانشناختی و هوش از برازش مناسبی برخوردار است؟

روش

روش این پژوهش توصیفی - همبستگی و جامعه آماری شامل کلیه دانشجویان دانشگاه آزاد اسلامی واحد کرج در نیمسال اول سال تحصیلی ۱۴۰۲-۰۳ بود. حجم نمونه براساس فرمول کوکران، ۳۲۷ نفر به روش نمونه گیری تصادفی هدفمند انتخاب شد. معیار ورود به پژوهش عبارت بود از، (۱) تحصیل در دانشگاه آزاد اسلامی واحد کرج، (۲) کامل بودن پرسشنامه ها در آزمون ها و عدم پاسخ تکراری به سوال ها بود و معیار خروج پرسشنامه هایی بود که در آن به چند سوال پی دی وی پاسخ داده نشده بود. کلیه پرسشنامه های پژوهش به صورت حضوری در اختیار افراد نمونه قرار گرفته و پس از تکمیل شدن توسط آنان جمع آوری گردید. با استفاده از فاصله مهلنویس اطلاعات ۷ آزمودنی به عنوان داده پارت تشخیص داده شد که از پژوهش حذف گردیدند و برای تجزیه و تحلیل سایر داده ها از روش معادلات ساختاری و تحلیل مسیر استفاده شد. ابزار گردآوری داده ها عبارت بود از:

(۱) پرسشنامه سبک دلبستگی^۲ (RAAS): این پرسشنامه را کولینز و رید^۳ در سال ۱۹۹۰ برای سنجش سبک های دلبستگی ابداع کرده است که در ابتدا دارای ۲۱ ماده بود که بعدها به ۱۸ آیتم کاهش یافت که از طریق علامت گذاری روی یک مقیاس ۵ درجه ای (از نوع لیکرت) که از به هیچ وجه با خصوصیات من تطابق ندارد = ۱، تا کاملاً با خصوصیات من تطابق دارد = ۵ تشکیل می گردد، سنجیده می شود. این پرسشنامه سه زیر مقیاس دارد که عبارتند از: سبک اضطرابی (A) که با سبک دلبستگی دوسوگرا^۴ مطابقت دارد؛ سبک نزدیک بودن^۵ (C) که با سبک دلبستگی ایمن^۶ مطابقت دارد و سبک وابستگی (D) که تقریباً عکس دلبستگی اجتنابی است و در مورد قابلیت اعتماد مقیاس دلبستگی بزرگسال، کولینز و رید (۱۹۹۰) میزان آلفای کرونباخ را برای زیر مقیاس دلبستگی ایمن ۰/۸۲، برای دلبستگی اجتنابی ۰/۸۰ و برای دلبستگی اضطرابی ۰/۸۳ گزارش دادند. از سوی دیگر در پژوهش پاکدامن (۱۳۸۰) میزان پایایی آزمون با استفاده از آزمون مجدد نشان داده شد که این در سطح ۰/۹۵ است. با توجه به این که مقادیر آلفای کرونباخ در تمامی موارد مساوی یا بیش از

^۱ Carter, Youssef-Morgan

^۲ Revised Adult Attachment Scale

^۳ Collins, Read

^۴ Ambivalent Attachment Style

^۵ Secure Attachment Style

^۶ Avoidant Attachment Style

۰/۸۰ است. آزمون از پایایی بالایی برخوردار می باشد. در پژوهش فعلی، روایی و پایایی این مقیاس به روش آلفای کرونباخ ۰/۹۱ محاسبه شد.

(۲) پرسشنامه آلکسی تایمیای تورنتو (۲۰-TAS): فرم اولیه مقیاس آلکسی تایمیا ۲۶ سوآلی بود. که در سال ۱۹۸۵ توسط تیلور، رابین و باگی^۱ ساخته شد، و در سال ۱۹۹۴ توسط تیلور، باگی و پارکر تجدید نظر و به فرم ۲۰ سوآلی تبدیل شد. نحوه نمره گذاری آن بر اساس طیف پنج درجه ای لیکرت (از نمره ۱ برای «کاملاً مخالفم» تا ۵ برای «کاملاً موافقم») می باشد. در این مقیاس با جمع نمرات ۲۰ سوال، یک نمره کلی برای مقیاس ناگویی عاطفی بدست می آید. حداقل و حداکثر نمره برای این مقیاس به ترتیب ۲۰ و ۱۰۰ می باشد. در اکثر پژوهش ها، نقطه برش برای نمره کل مقیاس آلکسی تایمیا تورنتو ۶۰ یا ۶۱ در نظر گرفته می شود اما برای هر خرده مقیاس به صورت تک تک نقطه برش تعیین نشده است. این مقیاس در سه خرده مقیاس دشواری در تشخیص احساسات (DIF)، دشواری در توصیف احساسات (DDF) و تفکر عینی یا برون مدار با جهت گیری خارجی (EOT) ارزیابی می شود. در نسخه فارسی بشارت و گنجی (۱۳۹۱) مقیاس آلکسی تایمیا تورنتو ضرایب آلفای کرونباخ برای ناگویی هیجانی کل و سه زیر مقیاس دشواری در تشخیص احساسات، دشواری در توصیف احساسات و تفکر عینی به ترتیب ۰/۸۵، ۰/۸۲، ۰/۷۵ و ۰/۷۲ محاسبه شد که نشانه همسانی درونی خوب مقیاس است. پایایی بازآزمایی مقیاس آلکسی تایمیا تورنتو در یک نمونه ۶۷ نفری در دو نوبت با فاصله چهار هفته از ۰/۷۸ تا ۰/۸۰ برای ناگویی هیجانی کل و زیر مقیاس های مختلف تایید شد. در پژوهش حاضر ضریب آلفای کرونباخ این پرسشنامه ۰/۷۲ به دست آمد.

(۳) پرسشنامه سرمایه روانشناختی^۲: این پرسشنامه توسط لوتانز^۳ در سال ۲۰۰۷ ساخته شد و شامل ۲۴ سوال و هر خرده مقیاس شامل ۶ گویه و آزمودنی به هر گویه در مقیاس ۶ درجه ای لیکرت (کاملاً موافقم نمره ۶ تا کاملاً مخالف نمره ۱) پاسخ می دهد. خرده مقیاس خودکارآمدی از طریق سوالات ۱ - ۶، خرده مقیاس امیدواری از طریق سوالات ۷ - ۱۲، خرده مقیاس تاب آوری از طریق سوالات ۱۳ - ۱۸، خرده مقیاس خوش بینی از طریق سوالات ۱۹ - ۲۴ سنجیده میشود. برای به دست آوردن نمره سرمایه روانشناختی، ابتدا نمره هر خرده مقیاس، به صورت جداگانه به دست می آید و سپس مجموع آنها به عنوان نمره کل سرمایه روانشناختی محسوب می شود. آلفای کرونباخ را برای خرده مقیاس های امید، تاب آوری، خودکارآمدی، خوشبینی و در نهایت برای کل مقیاس به ترتیب ۰/۷۲، ۰/۷۱، ۰/۷۵، ۰/۷۴ و ۰/۸۸ گزارش کردند (لوتانز و همکاران، ۲۰۰۶). هنجاریابی داخلی توسط محسن آبادی، قتحی آشتیانی و احمدی زاده در سال ۱۴۰۰ انجام شد و همسانی درونی عوامل استخراج شده به روش آلفای کرونباخ از ۰/۸۵ تا ۰/۸۹ به دست آمد و اعتبار بازآزمایی پس از فاصله ۴ هفته ای تأیید شد (محسن آبادی، فتحی آشتیانی و احمدی زاده، ۱۴۰۰). در این پژوهش برای بررسی روایی آزمون، از ضریب آلفای کرونباخ استفاده شد که برای کل مقیاس ۰/۸۲ بدست آمد.

(۴) آزمون هوش چندگانه^۴ گاردنر^۵ (۱۹۹۳): تست هوش چندگانه گاردنر ابزاری برای شناسایی و درک انواع مختلف هوش در افراد است که در سال های دهه ۱۹۸۰ طراحی شد. این آزمون بر اساس نظریه هوش های چندگانه طراحی شده، که می گوید انسان، انواع مختلفی از هوش را دارد. بر اساس این آزمون، هوش موجودیت ثابت و منفردی نیست، بلکه مجموعه ای از توانایی هاست که افراد در سطوح مختلفی از آن برخوردارند و طبق آن چند نوع مختلف هوش وجود دارد که افراد ممکن است سطوح مختلفی از هر نوع را داشته باشند. گاردنر ۸ نوع مختلف هوش را شناسایی می کند که عبارتند از:

^۱ Taylor, Bagby, Parker

^۲ Psychological capital questionnaire

^۳ Luthans

^۴ Gardner Multiple Intelligences Test

^۵ Gardner

خودکارآمدی	۵۱۳	۳۷۴	۳۰۲	-					
سرمایه									
دی	۰	۰	۰						
روانشناختی	۴۳۲	۲۱۱	۱۹۷	۶۴۹	-				
تی	۰	۰	۰						
تاب آوری	۴۷۲	۴۱۲	۳۰۳	۶۲۷	۴۱۶	-			
	۰	۰	۰						
خوشبینی	۴۵۹	۳۱۷	۲۹۷	۶۳۴	۵۶۷	۶۱۰	-		
ی	۰	۰	۰						
هوش	۴۰۳	۲۱۰	۱۲۳	۶۲۲	۳۰۳	۷۸۲	۵۰۷	-	
	۰	۰	۰						
سبکها	۳۳۲	۳۰۰	۲۹۱	۲۶۸	۱۹۶	۲۷۲	۲۱۰	۱۲۵	-
ی									
اضطرابی	-۰	-۰	-۰	-۰	-۰	-۰	-۰	-۰	-۰
دلبستگی	۴۱۱	۳۶۴	۳۱۴	۳۶۰	۲۶۲	۳۵۷	۳۹۲	۲۴۷	۵۷۹
نزدیک	-۰	-۰	-۰	-۰	-۰	-۰	-۰	-۰	-۰
بودن									
سبک	۱۹۲	۱۵۲	۱۰۹	۲۰۶	۲۰۴	۲۰۶	۲۴۵	۱۳۷	۳۴۷
وابستگی	-۰	-۰	-۰	-۰	-۰	-۰	-۰	-۰	-۰

پیش از تحلیل داده‌ها مفروضه تحلیل مدل یابی معادلات ساختاری مورد ارزیابی قرار گرفت. نرمال بودن توزیع تک متغیری به واسطه مقادیر کشیدگی و یولیی و مفروضه همخطی بودن به واسطه ارزشهای عامل تورم واریانس^۱ (VIF) و ضریب تحمل^۲ مورد بررسی قرار گرفته است. نتایج نشان داد که مفروضه‌های نرمال بودن و همخطی بودن در بین داده‌های پژوهش حاضر برقرار است. تحلیل اطلاعات مربوط به فاصله مهلبونابیس^۳ (D) نیز نشان داد که توزیع یند متغیری مربوط به داده‌های پژوهش حاضر، نرمال است.

پس از ارزیابی مفروضه‌ها و اطمینان از برقراری آنها به منظور دستیابی به اهداف پژوهش، داده‌های گردآوری شده با استفاده از مدل یابی معادلات ساختاری آزمون شد. پیش از تحلیل مدل ساختاری، مدل اندازه گیری مورد ارزیابی قرار گرفت. در مدل اندازه گیری پژوهش حاضر چنین فرض شده است که متغیر مکنون سرمایه روانشناختی و هوش به وسیله نشانگرهای خودکارآمدی، امیدواری، تاب آوری، خوشبینی و متغیر مکنون سبک‌های دلبستگی به وسایله نشانگرهای اضطرابی، نزدیک بودن و وابستگی سنجیده میشود. مدل اندازه گیری به وسیله تحلیل عاملی تاییدی و با استفاده از نرم افزار^۴ AMOS و برآورد پیشینه احتمال (ML) مورد بررسی قرار گرفت. ارزیابی شاخص‌های برازندگی نشان داد که به استثنای شاخص‌های برازندگی تطبیقی^۴ و شاخص نکویی برازش^۵ (GFI) که به ترتیب برابر بودند با ۰/۹۲۴ و ۰/۹۳۲ دیگر شاخص‌های برازندگی بیانگر برازش قابل قبول مدل اندازه گیری با داده‌های گردآوری شده نیست. در مدل اندازه گیری اولیه مجذور کای^۶ (χ^2) برابر با ۱۲/۵۱۴، مجذور کای نرم شده^۶ (χ^2/df) برابر با ۶/۵۴۷، شاخص تعدیل شده برازندگی^۷

^۱ Variance inflation factor

^۲ Tolerance

^۳ Mahalanobis distance (D)

^۴ Comparative fit index

^۵ Goodness of fit index

^۶ Normed chi Square

^۷ Adjusted Goodness of fit index

(AGFI) برابر با ۰/۸۹۴ و شاخص ریشه خطای میانگین مجزورات تقریب^۱ (RMSEA) برابر با ۰/۱۱۹ به دست آمد. به همین دلیل شاخص های اصلاح مدل ارزیابی و ملاحظه شد که با ایجاد کوواریانس بین خطاهای دو نشانگر خوش بینی در سرمایه روانشناختی و هوش شاخص های برزندگی بهبود خواهد یافت. بدین ترتیب مدل اندازه گیری اصلاح و شاخص های برزندگی حاصل شد که بیانگر برازش قابل قبول مدل با داده ها بود $\chi^2 (df=18) = 81/029$ ، $CFI = 0/921$ ، $GFI = 0/904$ ، $RMSEA = 0/094$ و $AGFI = 0/897$.

پس از ارزیابی برازش مدل اندازه گیری با داده های گردآوری شده، چگونگی برازش مدل ساختاری ارزیابی شد. در مدل ساختاری چنین فرض شده بود که خرده مقیاس های آلکسی تایمیا (دشواری در تشخیص احساسات، دشواری در توصیف احساسات و تفکر برون مدار با جهت گیری خارجی) هم به صورت مستقیم و هم با میانجیگری سرمایه روانشناختی و هوش بر سبک های دلبستگی اثر دارد. ارزیابی شاخص های برزندگی حاصل از مدل ساختاری نشان داد که مدل اندازه گیری با داده های گردآوری شده برازش قابل قبول دارد $\chi^2 (df=36) = 115/231$ ، $CFI = 0/961$ ، $GFI = 0/923$ ، $RMSEA = 0/062$ و $AGFI = 0/913$. جدول ۲ ضرایب مسیر کل، مستقیم و غیر مستقیم بین متغیرهای پژوهش در مدل ساختاری را نشان می دهد.

بحث و نتیجه گیری

پس از بررسی نتایج مشخص گردید که سه خرده مقیاس آلکسی تایمیا (با کمی اغماض در بعد دشواری توصیف در آلکسی تایمیا) به صورت مستقیم و منفی سبک های دلبستگی دانشجویان را تحت تاثیر قرار می دهد. در این پژوهش چنین نتیجه گیری شد که سرمایه روانشناختی به صورت منفی، سبک های دلبستگی دانشجویان را تحت تاثیر قرار می دهد. در واقع، دانشجویانی که از لحاظ سرمایه روانشناختی نمره بالاتری را کسب نموده اند، نمره سبک های دلبستگی آنان پایین تر بوده است. در نتیجه سبک های دلبستگی ایمن تری دارند.

کلیکل و همکاران (۲۰۲۲)، لی و همکاران (۲۰۲۰) و گرابی و همکاران (۲۰۲۱) به نتایج مشابه این نتیجه دست یافتند. در تحقیقات مشابه مانند؛ جوکاما و همکاران (۲۰۱۹) به تاثیر منفی سبک های دلبستگی ناایمن بر عملکرد تحصیلی دانشجویان دست یافتند. کارتور و یوسف مورگان^۲ (۲۰۲۲) این نتیجه را بدست آوردند که خرده مقیاس های سرمایه روانشناختی تبیین کننده سبک های دلبستگی در دانشجویان هستند.

دلبستگی تمایل کودک به برقراری نوعی رابطه نزدیک با افرادی معین و احساس امنیت بیشتر در حضور این افراد است که توسط بالبی (۱۹۷۳) مطرح شد و این نیاز، یک نیاز نخستین است که از هیچ نیاز دیگری مشتق نشده است و نیازی اساسی برای تحول شخصیت است. بالبی امنیتی را که به وسیله دلبستگی ایجاد می شود، مهمترین ویژگی روابط در سراسر زندگی و رابطه ی اولیه را به عنوان الگویی برای روابط اجتماعی آینده می دانست بر همین اساس اینورث و همکاران (۲۰۱۶) موفق به ابداع موقعیتی آزمایشی برای تشخیص انواع روابط کودک، مراقب وی گشتند و سه سبک دلبستگی ایمن، اجتنابی و دوسوگرا را تفکیک کردند. در ادامه ی این روند هازن و شیور^۳ (۱۹۸۷) موفق به ردیابی این سه سبک در روابط بزرگسالی شدند و نشان داده اند که سبک دلبستگی ایمن با مشخصه هایی مانند صمیمیت اعتماد، عشق، محبت به دیگران و روابط دوستانه و صمیمی مرتبط است و در مقابل سبک دلبستگی ناایمن با مشخصه های فقدان اعتماد به خود، ترس از صمیمیت، بی اعتمادی به دیگران و ناتوانی در برقراری روابط دوستانه و صمیمی همبستگی دارد. در سایه ی سبک دلبستگی ایمن اعتماد به خود و دیگران دو مشخصه ی اصلی افراد ایمن محسوب می شوند، رفتار اکتشافی نیز از مؤلفه های دلبستگی محسوب می شوند.

^۱ RMSEA

^۲ Carter, Youssef-Morgan

^۳ Hazan, Shaver

در واقع، کنش به هنجار اکتشاف‌گری در افراد دارای دلبستگی ایمن، جسارت و انعطاف‌پذیری آنها را در آزمونگری و تجربه آموزی، افزایش می‌دهد. مهارت‌های حل مسئله در افراد ایمن، محصول کنش بهنجار اکتشاف‌گری است. جوارجویی‌های مبتنی بر دلبستگی ایمن از یک سو، و رابط شخصی و متقابل وی با دیگران، مهارت‌های ارتباطی فرد را تقویت می‌کند و در سطوح نسبتاً مطلوبی مستقر می‌سازد (بشارت، ۱۳۹۱).

الکسی تایمیا نیز از موضوع‌هایی است که درباره‌ی آن بحث‌های زیادی شده است بی آنکه مفهوم آن به درستی روشن شده باشد. الکسی تایمیا، یک ساختار شخصیتی است که به عنوان یک ناتوانی بی‌نشانه بالینی در شناسایی و توصیف هیجان‌ها و احساسات فردی توصیف می‌شود (مظاهری، افشار، ۱۳۹۸) و ویژگی‌های اصلی آن عبارت‌اند از اختلال در آگاهی عاطفی، در دلبستگی اجتماعی و در رابطه میان‌فردی. علاوه بر این، افراد مبتلا به آلکسی‌تایمیا همچنین دچار دشواری در تشخیص و درک احساسات دیگران نیز هستند، که نمودهای آن در نهایت به عنوان واکنش‌های غیرهمدلانه یا واکنش‌های احساسی غیر تاثیرگذار تعبیر می‌شوند که در حدود ۱۰ درصد از جمعیت عمومی شایع است و با شماری از وضعیت‌های روانی دیگر به عنوان هم‌آیند شناخته شده است (پوراآقا رودبرده، ۱۳۹۰).

در الکسی تایمیا مانند افراد دارای سبک دلبستگی ناایمن، افراد مشکلات قابل ملاحظه‌ای در ابراز کردن و توصیف نمودن کلامی احساساتشان دارند و کمبود یا فقدان خیال پردازی در آن‌ها بارز است. این دشواری در شناسایی کردن و به کلام در آوردن صحیح هیجان‌ها و تجربه‌ی حالات جسمی در واکنش به هیجان در الکسی تایمی خلاصه شد.

مطالعه‌هایی که بر روی اختلال‌های روانی مثل اختلال‌های خوردن، سوءمصرف مواد، اختلال استرس پس از سانحه، اختلال وسواسی جبری، اختلالات شبه‌جسمی و اختلال افسردگی انجام شده‌اند، آلکسی‌تایمیا را به عنوان یکی از عوامل مهم در نظر گرفته‌اند (موتان و جنیوس^۱، ۲۰۲۳) و میزان شیوع آلکسی‌تایمیا در اختلال استرس پس از سانحه ۴۰ درصد، در بی‌اشتهایی عصبی ۶۳ درصد، در پراشتهایی عصبی ۵۶ درصد، در افسردگی اساسی ۴۵ درصد، در اختلال هراس ۳۴ درصد و در سوءمصرف مواد ۵۰ درصد گزارش گردیده است (مظاهری، افشار، ۱۳۹۸).

در سال‌های اخیر ارتباط بین آلکسی‌تایمیا و افسردگی موضوع تحقیق‌های مختلفی انجام شده است. هینتیکا و همکاران^۲ (۲۰۲۱) نشان دادند که افسردگی و آلکسی‌تایمیا ارتباط قوی و مثبتی با یکدیگر داشته و این دو وضعیت هم پوشی دارند. ماتن و جنکاز^۳ (۲۰۲۳) هم در پژوهش خود نشان دادند که ارتباط قابل ملاحظه‌ای بین نمره‌ی کل آلکسی‌تایمیا و علائم افسردگی وجود دارد. علاوه بر وجود ارتباط بین آلکسی‌تایمیا و افسردگی، برخی مطالعات نشان می‌دهند که آلکسی‌تایمیا مستقل از افسردگی است. به عبارت دیگر، ارتباط علی بین این دو متغیر وجود ندارد. هم چنین، برخی تحقیقات نشان می‌دهند که ارتباط ابعاد آلکسی‌تایمیا با افسردگی متفاوت است و به هوش مرتبط است.

نتایج دیگر این پژوهش نشان داد، دانشجویانی که از لحاظ هوشی نمره بالاتری را کسب نموده‌اند، نمره سبک‌های دلبستگی ناایمن آنان پایین‌تر بوده است. در نتیجه سبک‌های دلبستگی ایمن‌تری دارند. کریمی، کیمیایی و مهدیان (۱۳۹۱) در پژوهشی نشان داد همبستگی مثبت بین دلبستگی ایمن و مولفه‌های هوش وجود دارد و می‌توان نتیجه گرفت افراد با دلبستگی ایمن؛ مهارت‌های تنظیم هیجان بالاتر، ارتباطات بین فردی بیش‌تر و از مهارت‌های همدلی بیشتری برخوردارند. همچنین افراد با دلبستگی اضطرابی از خودکنترلی، مهارت اجتماعی، خود انگیزی و همدلی کمتری برخوردارند. دلبستگی اجتنابی با هیچ یک از زیر مقیاس‌های هوش رابطه ندارد.

همچنین نتایج پژوهش کافتسیوس (۲۰۰۴) حاکی از رابطه مثبت سبک دلبستگی ایمن با تمامی زیر مقیاس‌های هوش (به استثنای ادراک هیجانی) و نمره کل هوش مرتبط است، دلبستگی اضطرابی دوسوگرا با تمامی زیر مقیاس‌های هوش رابطه منفی دارد ولی این رابطه معنی‌دار نیست.

^۱ Motan, Gencoz

^۲ Hiniikka et al

^۳ Motan, Gencoz

این پژوهش مانند سایر پژوهش‌ها دارای محدودیت‌هایی بوده است از جمله محدودیت‌ها میتوان به انتخاب دانشجویان دانشگاه کرج اشاره کرد و تعمیم نتایج به سایر دانشگاه‌ها به خصوص دانشگاه‌هایی که دانشجویان بومی دارند مانند زاهدان و تبریز محدودیت دارد و در این پژوهش از ابزارهای زیادی استفاده شد که پرسشنامه خودابرازی بودند لذا نمیتوان با قطعیت نتایج را تعمیم داد و پیشنهاد می‌گردد که در سایر دانشگاه‌ها و در دانشجویان دختر و پسر به تفکیک و دانشجویان بومی و دانشجویان غیربومی نیز انجام شود.

تشکر و قدردانی

بدین وسیله پژوهشگران از افراد شرکت کننده در این پژوهش قدردانی می‌کنند.

تضاد منافع

نویسندگان اظهار میدارند که تعارض منافع ندارند.

منابع

- بشارت، محمدعلی، گنجی، پویش. (۱۳۹۱). نقش تعدیل کننده‌ی سبک‌های دلبستگی در رابطه‌ی بین ناگویی هیجانی و رضایت زناشویی. *مجله‌ی اصول بهداشت روانی*، سال ۱۴ (۴): ۳۲۴-۳۵.
- پاکدامن، شهلا. (۱۳۸۰). بررسی ارتباط بین دلبستگی و جامعه طلبی در نوجوانی، پایان نامه دکترای روانشناسی، دانشگاه تهران.
- پورآقا رودبرده، فاطمه. (۱۳۹۰). ارتباط بین آلکسی تایمیا و دلبستگی به مادر در نوجوانان. *مجله اصول بهداشت روانی*، ۱۳ (۴۹): ۶۵-۵۸.
- کرمی، جهانگیر، یزدانبخش، کامران، کریمی، پروانه. (۱۳۹۵). نقش واسطه ای سبک‌های دلبستگی در رابطه بین ابعاد سرشت و منش و آلکسی تایمیا. *روان شناسی بالینی*. ۸ (۱): ۶۱-۷۰.
- محسن آبادی، حمید، فتحی آشتیانی، علی، احمدی زاده، محمد جواد. (۱۴۰۱). بررسی ویژگی‌های روانسنجی نسخه فارسی پرسشنامه سرمایه روانشناختی-۲۴ (PCQ-۲۴) در یک واحد نظامی. *طب نظامی*. ۲۳ (۹): ۷۳۸-۷۴۹.
- مظاهری، مینا، افشار، حمید. (۱۳۹۸). ارتباط آلکسی تایمیا با افسردگی و اضطراب در بیماران روان پزشکی. *مجله اصول بهداشت روانی*. ۱۲ (۲): ۴۷۰-۷۹.
- American Psychiatric Association. (۲۰۰۰). *Diagnostic and statistical manual of mental disorders (DSM-۴tr)* American Psychiatric Pub; May ۲۲.
- Ainsworth, M.S., Mary, C., Blehar, E.W., Sally, N. (۲۰۱۶). *Patterns of attachment: A Psychological Situation*, New York and London: Classic edition.
- Baig, S.A., Iqbal, S., Abrar, M., Baig, I.A., Amjad, F., Zia-ur-Rehman, M., Awan, M.U. (۲۰۲۱). Impact of leadership styles on employees' performance with moderating role of positive psychological capital. *Total Quality Management & Business Excellence*. ۳۲(۹-۱۰): ۱۰۸۵-۱۰۵.
- Baker, C.N., Horger, M. (۲۰۲۲). Parental childrearing strategies influence self-regulation, socio emotional adjustment, and psychopathology in early adulthood: Evidence from a retrospective cohort study. *Personal individ differ*. ۵۲: ۸۰۰-۵.
- Bowlby, J., Ainsworth, M. (۱۹۹۲). The origins of attachment theory. *Dev Psychol*. ۲۸: ۷۵۹-۷۵.
- Bowlby, J. (۱۹۹۶). The making and breaking of affection bond. *Br J Psychiatry*. ۱۳۰: ۲۰۱-۱۰.
- Collins, N. L. (۱۹۹۶). Revised Adult Attachment Scale (RAAS). Database record. APA PsycTests.
- Ciarrochi, J., Forgas, J., Myer, J. (۲۰۲۱). *Emotional intelligence in everyday life*. USA: Taylor, Francis group. ۴۰-۱.
- Gardner, Howard. (۱۹۹۳). *Multiple Intelligences: The theory In Practice*. New york: Basic Books.
- Gardner, Howard. (۱۹۹۹). *Intelligence Reframed: Multiple Intelligence for the ۲۱st century*. New york: Basic Books.
- Gardner, Howard. (۲۰۰۴). *Frames of Mind: The Theory of Multiple Intelligences*. New york: Basic Books.
- Gardner, Howard. (۲۰۰۶). *Changing Minds. The art and science of changing our own and other people's minds*.
- Boston MA Harvard Business School Press.

- Grabe, H. J., Spitzer, C., Freyberger., H. J. (۲۰۲۱). Alexithymia and the temperament and character model of personality. *Psychother Psychosom.* ۷۰: ۲۶۱-۶۷.
- Haza, C., Shaver, P. R. (۱۹۸۷). Romantic love conceptuli as an attachment process, *journal of personality and social psychology.* ۵۲: ۵۰۲-۵۲۴.
- Hintikka, J., Honkalampi, K., Lehtonen, J., Viinamaki, H. (۲۰۲۱). Are alexithymia and depression distinct or overlapping constructs?: A study in a general population. *Compr Psychiatry,* ۴۲(۳): ۲۳۴-۹.
- Joukamaa, M. (۲۰۱۴). Alexithymia-epidemiological findings. *J Psychosom Res.* ۵۶: ۵۸۱-۶۷۳
- Joukamaa, M., Saarijarvi, S., Muuriaisniemi, M.L., Salokangas, R.K.R. (۲۰۱۹). Alexithymia in a normal elderly population. *Compr Psychiatry.* ۳۷: ۱۴۴-۷.
- King, L.A., Emmons, R. A. (۲۰۱۸). Conflict over emotional expression: Psychological and physical correlates. *J Pers Soc Psychol.* ۱۵۸: ۸۶۴-۷۷.
- Lee, Y.J., Yu, S.H., Cho, S.J., Cho, I.H., Koh, S.H., Kim, S.J. (۲۰۲۰). Direct and indirect effects of the temperament and character on alexithymia: a pathway analysis with mood and anxiety. *Compr Psychiatry.* ۵۱: ۲۰۱-۰۶.
- Luthans, F. (۲۰۰۲). Positive psychological capital to help combat the mental health fallout from the pandemic and VUCA environment. *Organ Dyn.* ۵۱: ۱۰۰۸۱۷. doi: ۱۰.۱۰۱۶/j.orgdyn.۲۰۲۰.۱۰۰۸۱۷.
- Luthans, F., Vogelgesang, G.R., Lester, P.B. (۲۰۰۶). Developing the psychological capital of resiliency. *Human Resource Development Review.* ۵(۱): ۲۵-۴۴. doi: ۱۰.۱۱۷۷/۱۰۳۴۴۸۴۳.۰۵۲۸۰۳۳۰
- Martinez-Sanchez, F., Ato-Garcia, M., Ortiz-Soria, B. (۲۰۰۳). Alexithymia-state or trait? *Span J Psychol,* ۶(۱): ۵۱-۹.
- Mayseless, O., Wiseman, H., Hai, I. (۲۰۱۸). Adolescents' relationships with father, mother and friend. *J Adolesc Res.* ۱۹۹۸; ۱۳: ۱۰۱-۲۳. ۶.
- Motan, I., Gencoz, T. (۲۰۲۳). The relationship between the dimensions of alexithymia and the intensity of depression and anxiety. *Turk J Psychiatry,* ۱۸(۴): ۳۳۳-۴۳.
- Ricciardi, L., Demartini, B., Fotopoulou, A., Edwards, M.J. (۲۰۱۵). Alexithymia in neurological disease: A review. *J Neuropsychiatry Clin Neurosci.* ۲۰۱۵; ۱-۹.
- Scarpazza, C., Di Pellegrino, G., Làdavas, E. (۲۰۲۳). Emotional modulation of touch in alexithymia. *Emot.* ۱۴(۳): ۶۰۲-۱۰.
- Taylor, G. J. (۲۰۰۰). Recent development in alexithymia theory and research, *Canadian Journal of Psychiatry,* ۴۵, ۱۳۴-۱۴۲.
- Taylor, G.J., Bagby, R.M., Kushner, S.H.C., Benoit, D., Atkinson, L. (۲۰۲۲). Alexithymia and adult attachment representations: Associations with the five-factor model of personality and perceived relationship adjustment. *Compr Psychiatr.* ۵۰(۵): ۱۲۵۸-۶۸.
- Taylor, G. J., Bagby, R. M., & Parker, J. D. A. (۱۹۹۷). Disorders of affect regulation: Alexithymia in medical and psychiatric illness. Cambridge University Press

